

به نام خدا

آسیب شناسی بیداری اسلامی از منظر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم

نگارش: احد داوری^۱

چکیده

قیام های برخاسته از تعالیم و دستورات اسلام اغلب در ابتدای مسیر حرکت با موفقیت هایی همراه می شوند ولی به مرور زمان با بروز آسیب هایی از هدف اصلی منحرف شده و به سرانجامی نمی رسند. شناسایی این آسیب ها از منظر افق فرابشری وحی نتایج مفیدتری به دست می دهد تا در درمان یا پیشگیری به کار آید. بویژه اگر بخواهیم آسیب های مذکور را با توجه به حکومت نوپای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد بررسی قرار دهیم که دینی جامع و جاوید به جامعه بشری معرفی کرده است؛ با این نگرش، نگارنده به ذکر آسیب های نهضت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم پرداخته است؛ بدین منظور آسیب های تهدید کننده نهضت را در دو گروه درونی و بیرونی طبقه بندی کرده و سرپیچی از فرمان رهبر، فساد خواص، مد نظر قرار ندادن ارزش واقعی مجاهدان راستین، وابستگی به سیاست های کلی بیگانگان، نگاه تک بعدی به مسائل، اختلافات درونی، عدول از مردم سالاری دینی و پیراستگی از اخلاق اسلامی را جزء اساسی ترین آسیب های درونی قیام اسلامی برشمرده و مهم ترین آسیب های بیرونی را از ناحیه کفار، منافقان و اهل کتاب متوجه نهضت اسلامی می داند.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، قرآن، پیامبر اعظم، آسیب شناسی، رهبر، فساد خواص، اختلاف، کفار، منافقان، اهل کتاب

۱. Email: ahaddavari@gmail.com

Davariahad.blog.ir

۱- طرح مسأله

بیداری اسلامی واژه ای که اخیراً بیشتر مورد توجه اندیشمندان، سیاستمداران جهانی، دولت ها و حتی عموم مردم در گوشه و کنار جهان گردیده است و قسمت عمده ناحیه شمال آفریقا و خاورمیانه به طور عملی با این مسأله درگیر بوده و از نزدیک موضع را دنبال می کنند و دهها شهید و هزاران مجروح را در راستای اهداف عالی خود تقدیم می کنند. از لحاظ عملی برخی از این نهضت ها به دلیل آسیب هایی که در طول قیام و حتی پس از پیروزی می بینند به نحو مطلوب به سرانجام نمی رسند؛ بررسی تک تک این نهضت ها و مشکلات و آسیب هایی که با آن مواجه هستند راه را برای عبور از بحران های پیش روی آنها - که یا از طرف ناآگاهان داخلی و یا مغرضان داخلی و خارجی برای آنها ایجاد می شود- باز می کند؛ ولی با توجه به اینکه ریشه همه این نهضت ها به نحوی به قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر می گردد (که در جای خود قابل اثبات است) در اینجا عمده آسیب هایی که متوجه حکومت تازه نوپای پیامبر بود با توجه به آیات قرآن مورد بررسی قرار می دهیم، بی شک آسیب ها محدود به این قضایا نبوده بلکه به اندازه اهمیت برخی مسائل توضیح داده شده اند؛ همچنین تطبیق با قیام های فعلی منطقه نیز در تک تک موارد جای کنکاش و انطباق دارد که مجال دیگری می طلبد.

با نگاهی کلی به آیات می توان آسیب های قیام های اسلامی را در دو دسته کلی آسیب های درونی و آسیب های بیرونی طبقه بندی کرد، مراد از آسیب های درونی آنهایی است که از درون جامعه اسلامی (یعنی از سوی مجاهدان اسلام) متوجه نهضت می شود یا مربوط به اعتقاد، اخلاق یا رفتار آنها می باشد و مراد از آسیب های بیرونی، آنهایی را شامل می شود که از بیرون به قیام اسلامی ضربه می زند. البته آسیب نفاق و خطر منافقان را با توجه به اینکه نمی توان آنها را مجاهد نامید در عوامل بیرونی بررسی شده است (هر چند به نوعی جزء عوامل درونی نیز می توان محسوب نمود).

۲- کالبد شکافی مفهوم لغوی «نهضت های اسلامی»

از آنجا که درک و انتقال معانی بدون به کارگیری الفاظ میسر نیست و تلقی غیر همسان از واژگان موجب بروز مشکل در فهم مقصودی گردد؛ لذا گریزی نیست از اینکه به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی «نهضت های اسلامی» بپردازیم تا معانی و پیش فرض های نویسنده به طور صحیح به خواننده منتقل گردیده و فرایند انتقال پیام ناکام نماند. ناگفته نماند که مراد ما از «اسلام» در اینجا، اسلام ناب محمدی برگرفته از آیات قرآن کریم و احادیث صحیح ائمه اهل بیت علیهم السلام می باشد هر چند که در این مجال فقط به آیات قرآن استناد شده است.

نهضت در لغت به معنای قیام، برخاستن و قصد کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۲۹۰۹) در زبان عربی نیز «نهض» به معنای «قام» یعنی «برخواست» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۳۳) و مصدر «نهوض» به معنای برخاستن از محل می باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰۸). ظاهراً ریشه کلمه از برخاستن جوجه ای گرفته شده که پرهایش به اندازه ای زیاد شده است که آماده پرواز کردن باشد: فرخ الطائر الذی وفر جناحاه و نهض للطیران (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۳۳ و فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰۸). در برخی عبارات عربی نیز «نهض الی العدو» به معنای حرکت سریع به سمت دشمن معنا شده است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۲۸). دقت در برخی عبارات های اعراب نیز بیانگر کاربرد این واژه برای بیان نوعی قیام برای رسیدن به اهداف می باشد؛ همچنان که برقیام مختار عنوان «نهضة المختار» اطلاق شده است (ابو مخنف کوفی، ۱۴۱۷، ص ۱۳۱) و

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: **أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَنْهَضَ النَّاسَ فِي حَرْبِ مُعَاوِيَةَ** (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۳۴ و ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۷۲۹) یعنی علی علیه السلام مردم را به جنگ معاویه برانگیخت. در نهج البلاغه نیز می خوانیم: **أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ**: (خطبه ۵) کسی که با داشتن بال و پر (یار و یاور) قیام کند رستگار شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۳۸). لذا در لغت نامه معین، نهضت را به «قیام برای رسیدن به منظوره‌های اجتماعی و سیاسی» معنا کرده است (معین، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۸۶۹).

وقتی پسوند اسلام به نهضت اضافه شود (نهضة الاسلام) می توانیم معانی زیر را با توجه به حرف جر مستور در مضاف و مضاف الیه تصور نمود:

نهضة فی الاسلام (ظرفیه) نظیر زید فی المسجد

نهضة للاسلام (ملکی) نظیر الدار لصدیق

نهضة الی الاسلام (انتها غایت) نظیر ذهب الی المدینة

نهضة من الاسلام (ابتداء غایت) نظیر خرجت من المدینة

از میان موارد فوق، نهضت اسلام به معنای مورد چهارم خواهد بود یعنی قیامی که برخاسته از تعالیم و دستورات اسلام می باشد (بی شک چنین قیامی در عمل منجر به اجرایی شدن و عمل به دستورات اسلام شود). باید این نکته را نیز افزود که با توجه به آیه شریفه **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** (آل عمران ۱۹) تمام نهضت هایی که در ادیان الهی انجام شده است اعم از یهودی و مسیحی و مسلمان؛ در استناد ما مورد استفاده قرر گرفته است. اینک به بررسی آسیب هایی خواهیم پرداخت که چنین نهضتی را تهدید می کند.

۳- آسیب های درونی نهضت های اسلامی

برخی عوامل از درون باعث وارد شدن آسیب به نهضت های بیداری اسلامی می شود، که این خطرها اغلب مربوط به رزمندگان جبهه اسلام می باشند، در نگاه آیات قرآنی برخی از مهم ترین آسیب هایی که به حکومت نبوی مربوط می شود بر شمرده شده است که در سایر حرکت های بیداری اسلامی نیز مشاهده می شود حتی می توان ادعا کرد در هر انقلابی این مسائل می تواند جزء مهم ترین آسیب های درونی باشد؛ و شاید بتوان از این جنبه بیشتر و بهتر جهانی و جاودنگی دین اسلام و دستورات قرآن را اثبات نمود؛ از جمله مهم ترین این آسیب ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۱- سرپیچی از فرمان رهبر

در آموزه های قرآن، رهبر جایگاه خاصی دارد به طوری که حتی تعیین آن نیز از سوی خداوند انجام می شود (آل عمران ۱۶۴) و دقت در برخی موارد بیان گر آن است که رهبر نهضت و فرمانده جنگ باید ویژگی خاصی داشته باشد، شاید به خاطر همین خصوصیت باشد که انتخاب رهبر صالح برای نهضت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده و شخص رهبر نیز نباید برای منافع مادی خود مدیریت نهضت را عهده دار باشد؛ لذا در مورد رهبران الهی و به صراحت در مورد پیامبر اسلام به عدم مزدخواهی از مردم اشاره شده است: **وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ** (هود ۲۹).

نقش بی بدیل رهبر در نهضت اسلامی و خصوصیات ویژه آن با توجه به نمونه های ذکر شده در قرآن از جمله حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، باعث شده است تا پیروی از رهبر به عنوان یکی از عوامل موفقیت رزمندگان به شمار آید و نافرمانی باعث شکست، که نمونه صریح آن را در جنگ احد بیان شده است (یعقوبی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۷ و ۴۸) و بی شک نافرمانی از دستورات رهبر باعث آسیب های جدی به نهضت گردد؛ لذا یکی از خصوصیات مومنان در قرآن کریم تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و رسول شمرده شده است: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (احزاب ۳۶) و در آیه دیگر نشانه ایمان را تسلیم محض بودن برای حکمت رسول خدا دانسته و می فرماید: ولی چنین نیست به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده ای در دلهاشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملا سر تسلیم فرود آورند؛ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُواكَ فِيمَا سَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء ۶۵) چنانکه قرآن شایسته نمی داند که مردم خود را بر رسول خدا مقدم بدانند: مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يُرِغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنِ نَفْسِهِ (توبه ۱۲۰).

آسیب ناشی از بی توجهی به دستورات رهبر تا اندازه ای است که مومنان حتی در امور جامع و مهم نباید بدون اجازه رهبر کاری انجام دهند، لذا می فرماید: جز این نیست که مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبرش گرویده اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند تا از وی کسب اجازه نکنند نمی روند در حقیقت کسانی که از تو کسب اجازه می کنند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (نور ۶۲) به همین خاطر است که خداوند در مورد کسانی که در حضور پیامبر دم از اطاعت زده و هنگام خروج از نزد آن حضرت در جلسات شبانه، خلاف گفته های پیامبر می گویند نکوهش شده و به پیامبر دستور می دهد تا از آنها دوری کند: وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (نساء ۸۱)

در فرامین اسلام علاوه بر انجام دستورات رهبر، رعایت احترام ویژه ای برای رهبر توصیه شده است؛ از جمله در نحوه دعوت کردن (خطاب کردن پیامبر را در میان خود مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار مدهید؛ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا. نور ۶۳) و صدا زدن (ای کسانی که ایمان آورده اید صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می گویند با او به صدای بلند سخن مگویید مبدا بی آنکه بدانید کرده ایتان تباه شود، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (حجرات ۲) همچنین با صراحت آمده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (حجرات ۱). نکته مهم در دستورات قرآن کریم در باره رهبر نهضت، توجه به مقام حقوقی رهبر است تا مقام حقیقی؛ لذا نکوهش شدیدی راجع به پذیرش شایعه کشته شدن پیامبر در جنگ احد (واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۸ و ۱۲۹) دیده می شود، زمانی که آتش جنگ میان مسلمانان و مشرکان شعله ور بود شایعه ای توسط مشرکان منتشر شد که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کشته شد؛ بسیاری از مسلمانان با شنیدن این شایعه دست از جنگ کشیده و از میدان گریختند و فقط عده کمی از مسلمانان نظیر علی علی السلام در میدان جنگ باقی ماندند؛ خداوند هم گروه فرار کننده از جنگ را به شدت نکوهش کرده و مقام حقوقی پیامبر را بالاتر از شخصیت قیقی آن حضرت معرفی کرده و می فرماید: محمد جز فرستاده ای که پیش از او

[هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی‌گردید و هر کس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد، وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران ۱۴۴).

۳-۲- فساد خواص و نزدیکان رهبر

نزدیکان رهبر در تعاملات خود بیشتر از سایر مومنان باید مراقب خود باشند. به طوری که نسبت به زنان پیامبر خطاب شده است: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ (نساء ۳۲) لذا زینت زندگی دنیوی نیز در مورد آنها محدود بوده است به طوری که خطاب به زنان پیامبر می‌فرماید: ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید بیاید تا مهرتان را بدهم و [خوش و] خرم شما را رها کنم؛ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُنَّ تَرْضُنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَرِزْقَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعُنَّ وَأَسْرَحُنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا (احزاب ۲۸). نمونه ای از نزدیکان فاسد زن نوح و زن لوط است که خیانت کرده و در آتش دوزخ داخل شدند: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (تحریم ۱۰) به طوری که حضرت لوط علیه السلام موظف می‌شود زن خود را در میان هلاک شدگان رها کند (هود ۸۱) پسر نوح نیز عملی ناصالح شمرده شده است: يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ (هود ۴۶).

ذکر نمونه های فوق در قرآن اهمیت صالح بودن نزدیکان و خواص را بیشتر نمایان می‌کند، بویژه که خداوند مومنان را از تکیه گاه قرار دادن پدران و برادران کافر برحذر می‌دارد و حتی محبت بیشتر به آنها را مستحق عذاب الهی دانسته و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند [آنان را] به دوستی مگیرید و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمکارانند. بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِن اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَىٰ الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (توبه ۲۳ و ۲۴)

۳-۳- در نظر نگر فتن ارزش واقعی مجاهدان راستین

مومنانی که با مال و جان خود در اعتلای اهداف نهضت اسلامی تلاش می‌کنند نسبت به سایر افراد برتری دارند: مؤمنان خانه‌نشین که زبان‌دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده [ولی] مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده است. پاداش بزرگی که [به عنوان درجات و آموزش و رحمتی از جانب او] نصیب آنان می‌شود] و خدا آمرزنده مهربان است؛ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء ۹۵ و ۹۶) لذا رضایت خداوند از آنها

بیشتر بوده و خداوند در آخرت بهشت های جاودان برای آنها فراهم کرده است (توبه ۱۰۰) و قرآن کریم در میان انواع تلاش های مجاهدان نیز قائل به تفصیل شده و مجاهدت در راه خدا را بالاتر از سقایت حجاج و عمارت مسجد الحرام می داند: **أَجَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ** (توبه ۱۹ و ۲۰) از اینجاست که به پیامبر دستور می دهد تا مومنان راستین را از خود دور نکند: کسانی را که پروردگار خود را بامدادان و شامگاهان می خوانند در حالی که خشنودی او را می خواهند مران؛ **وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ** (انعام ۵۲) پس می توان گفت آسیبی که نهضت های اسلامی را تهدید می کند یکسان قرار دادن مجاهدان راستین با سایر مومنان و به تبع آن سلب مسئولیت های مهم و حیاتی جامعه اسلامی از مجاهدان واقعی است.

۳- ۴- وابستگی به سیاست های کشور های بیگانه

داشتن مبانی برای هر نهضت و به اصطلاح دوری از شرق زدگی و غرب زدگی جزء اصولی است که باعث پیشبرد کارها و موفقیت نهضت می شود، قرآن کریم در این زمینه به مسلمانان می فرماید از آیین خالص ابراهیم علیه السلام تبعیت کنند: [اهل کتاب] گفتند یهودی یا مسیحی باشید تا هدایت یابید بگو نه بلکه [بر] آیین ابراهیم حق گرا [هستم] و وی از مشرکان نبود؛ **وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** (بقره ۱۳۵) البته یهودی و مسیحی بودن حضرت ابراهیم علیه السلام را نفی کرده و می فرماید: یا می گویند ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [دوازده گانه] یهودی یا نصرانی بوده اند بگو آیا شما بهتر می دانید یا خدا و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد و خدا از آنچه می کنید غافل نیست؛ **أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَنْتُمْ أَغْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ** (بقره ۱۴۰) و جهت جلوگیری از انحراف وصیت حضرت ابراهیم علیه السلام را برای فرزندانش ذکر می کند که تا آخرین لحظات عمر تسلیم خداوند باشند: و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند] ای پسران من خداوند برای شما این دین را برگزید پس البته نباید جز مسلمان بمیرید. آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید حاضر بودید هنگامی که به پسران خود گفت پس از من چه را خواهید پرستید گفتند معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق معبودی یگانه را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم؛ **وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ**. (بقره ۱۳۲ و ۱۳۳).

البته بررسی دقیق تر آیات قرآن بیانگر آن است که اسلام حتی مقایسه خود با سایر فرهنگ ها را در برخی موارد نکوهش کرده است؛ همانطوری که بنی اسرائیل را به خاطر این مساله جاهل قلمداد می کند آنجا که بنی اسرائیل بر قومی بت پرست گذشتند و با دین بت های آنها از حضرت موسی علیه السلام درخواست خدایی نمادین و همچون بت آنها کردند، خداوند این ماجرا را چنین تبیین می کند: **و فرزندانش اسرائیل را از دریا گذراندیم تا به قومی رسیدند که بر [پرستش] بت های خویش همت می گماشتند گفتند ای موسی همان گونه که برای آنان خدایانی است برای ما [نیز] خدایی قرار ده گفت راستی شما نادانی می کنید؛ **وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ** (اعراف ۱۳۸).**

۳-۵- نگاه تک بعدی به مسائل

اسلام دین جامعی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۷) و با توجه به جاودانگی آن، جامع بودن یک ضرورت عقلی محسوب می شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۳) لذا در تمام امور همه جوانب را مد نظر قرار داده است مثلا در مورد جهاد به مساله ای نظیر تعلیم و تربیت نیز لحاظ شده است حتی در مواقعی که جهاد ضرورت دارد همه مردم به جهاد مشغول نشده و سایر امور مسلمانان نظیر تعلیم و تربیت مورد غفلت واقع نشود؛ شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند؛ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (توبه ۱۲۲). این در واقع نمونه ای است از همه جانبه نگری اسلام. در برخی امور نیز در نظر گرفتن همه جوانب باعث شده است تا در تحریم محرمانی نظیر شراب، شیوه تدریج را مبنای کار خود قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹۰). اسلام دستور داده است تا مومنان استقامت تمام عیار خود را حفظ کرده (پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست؛ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ هود ۱۱۲) و آمادگی کامل نظامی داشته باشند (و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت؛ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ انفال ۶۰) و به یکی از آرزوهای کفار اشاره کرده است که آرزو دارند تا مسلمانان از سلاح‌ها و وسایل خود غافل شوند تا یک باره بر آنها هجوم آورند؛ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغفلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً (نساء ۱۰۲). آیه اخیر بیانگر آن است که اسلام اجازه نمی‌دهد تا مسلمانان در جبهه و جنگ با کوچک‌ترین غفلتی حتی برای اقامه نماز (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۰۰) از تجهیزات خود غافل شده و با نگرشی تک بعدی به مسائل باعث غلبه کفار شوند.

نگرش تک بعدی در تحلیل اخبار دریافتی نیز مورد تاکید است که قرآن اجازه نداده است تا هر خبری را بپذیرند، لذا می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک و ارسی کنید مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات ۶). نکته جالب در بیان آسیب نگرش تک بعدی به مسائل در انتخاب واژگان ملاحظه می‌شود که قرآن حتی اجازه نداده است از واژگانی استفاه شود که موجب سوء استفاده دشمن گردد: ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگویید راعنا و بگوئید انظرنا و [این توصیه را] بشنوید و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره ۱۰۴) تفاوت «راعنا» و «انظرنا» از دید مسلمانان تقریبا یکسان است ولی بهانه ای در دست یهودیان بود تا به استهزاء پیامبر و مسلمانان بپردازند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷۳) لذا خداوند دستور داده است تا در همه جنبه‌ها حتی انتخاب الفاظ نیز همه جوانب در نظر گرفته شود.

۳-۶- نزاع و اختلافات درونی

درباره اختلاف در قوم حضرت موسی علیه السلام (فصلت ۴۵) و قوم حضرت عیسی علیه السلام (زخرف ۶۳-۶۵) اشارتی در قرآن وجود دارد. اشاراتی هم به عدم تفرقه میان مسلمانان وجود دارد: از [احکام] دین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید؛ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (شوری ۱۳) حتی به برقراری صلح بین مومنان به طور ویژه تاکید شده است و با برادر خواندن مومنان به برقراری سازش بین آنها دستور داده است (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ: حجرات ۱۰). این تاکیدها بیانگر اهمیت حداکثری اتحاد میان مسلمانان است. اسلام برای پیروزی نهضت از این هم صریح تر به ذکر آسیب «اختلاف» پرداخته و عدم پیروی از خدا و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را باعث ایجاد اختلاف میان مسلمانان و در نتیجه سستی و از بین رفتن شکوه و ابهت مومنان معرفی کرده است: و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود؛ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحَكُمْ (انفال ۴۶)

۳-۷- عدول از مردم سالاری دینی

مردم در تشکیل حکومت اسلامی جایگاه خاصی دارند به طوری که یکی از پایه های ایجاد حکومت اسلامی پذیرش مردمی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۸۰) لذا خداوند برای مومنان هشدار داده است که اگر از آیین خود بازگردند گروهی را می آورد که آنها را دوست می دارد و آنان نیز خدا را دوست می دارند، این گروه در برابر مومنان متواضع و در مقابل کفار سازش ناپذیر و سرسخت هستند، در راه خدا جهاد کرده و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند (ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مائده ۵۴) لذا از افرادی که به جای خدا از مردم می ترسند نکوهش شده اند: آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد [فعلا] دست [از جنگ] بدارید و نماز را برپا کنید و زکات بدهید و [الی] همین که کارزار بر آنان مقرر شد بناگاه گروهی از آنان از مردم [=مشرکان مکه] ترسیدند مانند ترس از خدا یا ترسی سخت تر و گفتند پروردگارا چرا بر ما کارزار مقرر داشتی چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی بگو برخورداری [از این] دنیا اندک و برای کسی که تقوا پیشه کرده آخرت بهتر است و [در آنجا] به قدر نخ هسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت؛ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (نساء ۷۷).

یکی از جنبه های مردم سالاری دینی را با توجه به آیات فوق می توان به توجه به اصول مسلم اسلام و نگرش توحیدی دانست؛ اما جنبه دیگری که در آیات قرآن از آن غفلت نشده است توجه به نقش مردم و پذیرش همه مردم و به اصطلاح فرمان عفو عمومی است، همان طوری که در ماجرای فتح مکه پیامبر اسلام دستور عفو عمومی صادر کردند (ابن خلدون؛ ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۴۵۹) در این راستا عدم پذیرش اشتباهات جاهلانه - و نه مغرضانه - مردم باعث آسیب جدی به نهضت می شود؛ لذا خداوند به پیامبر می فرماید: و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند بگو درود بر شما پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و صلاح آید پس وی آمرزنده مهربان است؛ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انعام ۵۴) و حتی پا را فراتر گذاشته و پذیرش ایمان عموم مردمی را که اظهار اسلام می کنند لازم می داند و با تاکید هشدار می دهد که کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می کند مگویند تو مؤمن نیستی [تا بدین بهانه] متاع زندگی دنیا را بجویند: وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (نساء ۹۴).

۳-۸- پیراستگی از اخلاق اسلامی

پیامبر اسلام برای اتمام مکارم اخلاقی مبعوث شده است: انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۵۰۰) و مسائل اخلاقی در قرآن با تاکیدهای مختلفی آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۳) اما رعایت برخی امور علاوه بر نفع شخصی باعث تقویت نهضت اسلامی می شود؛ از جمله می توان به ترجیح اموال و خانواده به جهاد در راه خدا اشاره کرد که در قرآن کریم ضمن اشاره به حرکت پیامبر به قصد عمره به سوی مکه و درخواست همراهی از قبایل بادیه نشین باز هم گروهی از افراد ضعیف الایمان از انجام این دستور سر باز زدند، و تحلیلشان این بود که چگونه ممکن است مسلمانان از این سفر جان سالم به در برند، در حالی که قبلاً کفار قریش حالت تهاجمی داشته، و جنگهای احد و احزاب را در کنار مدینه بر مسلمانان تحمیل کردند، اکنون که این گروه اندک و بدون سلاح با پای خود به مکه می روند، چگونه ممکن است به خانه های خود باز گردند؟! اما هنگامی که دیدند مسلمانان با دست پر و امتیازات قابل ملاحظه ای که از پیمان صلح حدیبیه گرفته بودند سالم به سوی مدینه بازگشتند بی آنکه از دماغ کسی خون بریزد، به اشتباه بزرگ خود پی بردند، و خدمت پیامبر آمدند تا به نحوی عذر خواهی کرده، و کار خود را توجیه کنند، و از پیامبر تقاضای استغفار نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۴۸-۴۹) قرآن کریم این اقدام آنها را چنین نکوهش و رسوا می کند: برجای ماندگان بادیه نشین به زودی به تو خواهند گفت اموال ما و کسانمان ما را گرفتار کردند برای ما آمرزش بخواه چیزی را که در دلهایشان نیست بر زبان خویش می رانند بگو اگر خدا بخواهد به شما زبانی یا سودی برساند چه کسی در برابر او برای شما اختیار چیزی را دارد بلکه [این] خداست که به آنچه می کنید همواره آگاه است؛ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (فتح ۱۱)

ترک امر به معروف و نهی از منکر دومین مساله اخلاقی است که ضربات مهلکی به بیداری اسلامی وارد می کند که پرداختن به کل موضوع نیاز به مجالی دیگر دارد؛ شاید همین اندازه کفایت کند که در قرآن کریم با حالت سوالی خطاب به مردم می فرماید: آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید با اینکه شما کتاب [خدا] را می خوانید آیا [هیچ] نمی اندیشید؛ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره ۴۴)

از جمله صفات نکوهیده اخلاقی درخواست تحمید نابجا می باشد که باز لحن قرآن کریم بیانگر نارضایتی اندیشه قرآنی از این خصوصیت اخلاقی است: البته گمان مبر کسانی که بدانچه کرده‌اند شادمانی می کنند و دوست دارند به آنچه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است [که] عذابی دردناک خواهند داشت؛ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (آل عمران ۱۸۸)

در تکمیل فراین اخلاق گرایی در انیشه قرآنی بیداری اسلامی می توان این نکات را افزود که اگر عشق مال و فرزند گروهی از افراد ضعیف الایمان را از جهاد بزرگی باز دارد، نباید گروه مؤمنان راستین از این موضوع نگرانی به خود راه دهند، برای اینکه خداوند نه در آن روزهایی که نفراشان کم بود (مانند میدان جنگ بدر) آنها را تنها گذارد، و نه در آن روز که جمعیشان چشم پر کن بود (مانند میدان جنگ حنین)، انبوه جمعیت دردی را از آنها دوا کرد، بلکه در هر حال یاری خدا و مددهای او بود که باعث پیرویشان شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۳۷) لذا مساله غرور بی مورد را مورد نکوهش قرار داده و می فرماید: قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است و [نیز] در روز حنین آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود ولی به هیچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد و زمین با همه فراخی بر شما تنگ گردید سپس در حالی که پشت [به دشمن] کرده بودید برگشتید؛ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثَرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَوَضَعَتْ أَعْيُنُكُمْ الْأَرْضَ بِمَا رَحِبَتْ ثُمَّ لَئِنَّكُمْ لَمُذِرِينَ (توبه ۲۵)

۴- آسیب های بیرونی نهضت

برخی عوامل بیرونی باعث وارد شدن آسیب به بیداری اسلامی می شود، که این خطرها اغلب از ناحیه کفار، منافقان و اهل کتاب ایجاد و تقویت می شوند که به ترتیب وقوع تاریخی آنها برای نهضت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم مورد بررسی قرار می دهیم؛ همانطوری که قبلاً گفته شد منافقان را به دلیل عدم ایمان واقعی آنها (برخی از مردم می گویند ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم ولی گروندگان [راستین] نیستند؛ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ؛ بقره ۸) در این قسمت مورد بررسی قرار می دهیم:

۴-۱- جنگ سخت و نرم کفار و مستکبران

قرآن کریم به صراحت مسلمانان را از دوستی کفار برحذر می دارد تا مبدا بر مسلمانان تسلط یابند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به جای مؤمنان کافران را به دوستی خود مگیرید آیا می خواهید علیه خود حجتی روشن برای خدا قرار دهید؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (نساء ۱۴۴) و دستور واضحی برای جهاد در مقابل آنها می دهد: ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافرانی که مجاور شما هستند کارزار کنید و آنان باید در شما خشونت بیابند و بدانید که خدا با تقوایبندگان است؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه ۱۲۳) و از پشت کردن به آنها نهی می کند (ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می آورند به آنان پشت مکنید؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْأَدْبَارَ؛ انفال ۱۵ نیز ر.ک. ممتحنه ۹ و ۱۳) چرا که کفار و مستکبران دوست دارند تا مسلمانان از سلاح و تجهیزات خود غافل شوند تا بتوانند یک باره بر آنها حمله کرده و نهضت اسلامی را از پای در آورند: کافران آرزو می کنند که شما از جنگ افزارها

و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند؛ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغفلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْعِيَّتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً (نساء ۱۰۲)

علاوه بر جنگ علنی کفار با مسلمانان (که می توان از آن به جنگ سخت تعبیر کرد)، آسیب دیگری که از ناحیه کفار و مستکبران متوجه مسلمانان می شود شایعه پراکنی و بزرگ جلوه دادن قدرت توخالی خودشان است که می توان آن را نوعی مصداق «جنگ نرم» دانست؛ البته مومنان واقعی به آن ترتیب اثر نمی دهند؛ همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند پس از آن بترسید و [الی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است؛ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران ۱۷۳). نمونه دیگری از شایعه پراکنی مربوط به غزوه احد و کشته شدن پیامبر است (آل عمران ۱۴۴؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۸ و ۱۲۹).

۴-۲- نفاق منافقان

پس از هجرت پیامبر اسلام به مدینه تعدادی از مردم که توان مخالفت علنی با پیامبر را نداشتند یا به مصلحت خود نمی دانستند، در ظاهر اظهار اسلام نموده و مخفیانه علیه پیامبر اسلام فعالیت نمودند (ابوهشام، [بی تا]، ج ۱، ص ۵۸۴) این افراد اعتقاد واقعی خود را از مردم مخفی می کردند ولی اعتقاداتشان از خداوند پنهان نبود؛ کارهای ناروای خود را [از مردم پنهان می دارند و] نمی توانند [از خدا پنهان دارند و چون شبانگاه به چاره اندیشی می پردازند و سخنانی می گویند که وی [بدان] خشنود نیست او با آنان است و خدا به آنچه انجام می دهند همواره احاطه دارد؛ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (نساء ۱۰۸) آنها می خواستند خدا را فریب دهند در حالی که این خودشان بودند که فریب می خوردند (نساء ۱۴۲) منافقان مخفیانه به استهزاء مسلمانان می پرداختند (بقره ۱۴ و ۱۵) و مومنان راستین را «سفییه» می نامیدند (بقره ۱۳) و در زمین به فساد می پرداختند (بقره ۱۱ و ۱۲) البته رفتارشان به نحوی بود که اغلب مومنان تظاهر به ایمانشان را می پذیرفتند، مثلاً گاهی قسم یاد می کردند که اگر پیامبر امر به جهاد دهد حتماً انجام خواهند داد (توبه ۴۵ و ۴۶، ۸۳ و نور ۵۳) حتی به ساخت مسجد روی می آوردند (توبه ۱۰۷ و ۱۰۸)؛ لذا نوعی دو دستگی در بین مومنان در باره منافقان ایجاد شد؛ شما را چه شده است که در باره منافقان دو دسته شده اید با اینکه خدا آنان را به [سزای] آنچه انجام داده اند سرنگون کرده است؛ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةً وَاللَّهُ أَرَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا (نساء ۸۸).

با توجه به خطری که از ناحیه منافقان، نهضت نوپای اسلامی را تهدید می کرد خداوند آنها را دشمن خدا نامید و ارتباط مسلمانان با آنها را محدود کرد؛ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ (منافقون ۴). همچنین با صراحت به آنها اعلام کرد که اگر از پخش اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه دست بردارند پیامبر علیه آنها می شورد در نتیجه فقط مدت کوتاهی می توانند در مدینه بمانند و از همه جا طرد شده و هر کجا که یافته شوند دستگیر شده و کشته خواهند شد؛ لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَقْتُلُوا قَتِيلًا (احزاب ۶۰ و ۶۱)

پس می توان با توجه به شدت تاکید قرآن در دوری از منافقان، خطر نفاق را جزء مهم ترین آسیب های نهضت دانست که می تواند باعث کاهش کارآمدی نهضت و حتی فروپاشی آن شود؛ هرچند که در برخی سور مکی نیز به علت اهمیت مساله

مساله نفاق منافقان مورد توجه قرار گرفته است: از جمله در سوره عنکبوت که در مکه نازل شده است می خوانیم: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاء نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ آللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (عنکبوت ۱۰ و ۱۱): از میان مردم کسانی اند که می گویند به خدا ایمان آورده ایم و چون در [راه] خدا آزار کشند آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می دهند و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد حتما خواهند گفت ما با شما بودیم آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست، قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده اند می شناسد و یقیناً منافقان را [نیز] می شناسد؛ البته بین منافقان و کفار ارتباط معنا داری وجود دارد که خداوند هر دو را در سوره احزاب در کنار هم قرار می دهد: ای پیامبر از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر که خدا همواره دانای حکیم است؛ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (احزاب ۱).

۳-۴- بهانه جویی و شیطنت اهل کتاب

پیروان تورات و انجیل (یهود و نصارا) از صدر اسلام برخورد ویژه ای با مسلمانان داشتند. در قرآن برخی از این برخورد ها به خصوصیت اخلاقی «حسادت» آنها مرتبط دانسته شده که از روی حسد آرزو دارند مسلمانان مرتد شده و به دوران کفر بازگردند: بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شد از روی حسدی که در وجودشان بود آرزو می کردند که شما را بعد از ایمانتان کافر گردانند؛ وَكَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ (بقره ۱۰۹) البته صفت دو رویی آنها نیز در قرآن ذکر شده و در این باره آمده است: [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ما ایمان آورده ایم و وقتی با همدیگر خلوت می کنند می گویند چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می کنید تا آنان به [استناد] آن پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند آیا فکر نمی کنید؛ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَا بِغُضُوبِهِمْ إِلَىٰ بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره ۷۶) همچنین برخی فعالیت های ایدایی آنها از جمله ایمان موقت ظاهری نیز بیان شده است: جماعتی از اهل کتاب گفتند در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد ایمان بیاورید و در پایان [روز] انکار کنید شاید آنان [از اسلام] برگردند؛ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالذِّكْرِ أَنزَلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (آل عمران ۷۲) و در ماجرای تغییر قبله نیز به عدم تبعیت آنها اشاره شده (و اگر هر گونه معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله تو را پیروی نمی کنند و تو [نیز] پیرو قبله آنان نیستی و خود آنان پیرو قبله یکدیگر نیستند و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده اگر از هوسهای ایشان پیروی کنی در آن صورت جدا از ستمکاران خواهی بود؛ وَلَئِن آتَيْتَ الَّذِينَ آمَنُوا أَلْتَوُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِن اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (بقره ۱۴۵) و حتی به پیامبر اسلام فرموده است که یهود و نصارا از تو هرگز راضی نخواهند شد تا اینکه از آیین آنها تبعیت نمایی؛ وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره ۱۲۰).

در کنار این موضوعات و ارتباط ویژه ای که میان کفار و اهل کتاب در آیات قرآن دیده می شود (از جمله در آیه ۵۷ سوره مائده ۵۷) خداوند مومنان را از آسیب جدی دیگری که نهضت اسلامی را تهدید می کند با خبر کرده و می فرماید: ای مومنان! یهودیان و نصارا را دوست و تکیه گاه خود انتخاب نکنید، آنها دوست اولیای یکدیگرند و هرکس از مومنان که با آنها دوستی کند جزء آنها محسوب خواهد شد؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (مائده ۵۱).

۵- نتیجه

قیام هایی که برگرفته از تعالیم اسلام برپا می شوند پس از مدتی با هجوم آسیب ها و خطرانی مواجه می شوند که بررسی آنها جهت حفظ خطوط اساسی نهضت ضروری است تا راه پیشگیری و درمان هموار گردد.

آسیب های نهضت های بیداری اسلامی را می توان در دو دسته کلی آسیب های درونی و آسیب های بیرونی طبقه بندی کرد. مراد از آسیب های درونی، آنهایی است که از درون جامعه اسلامی (یعنی از سوی مجاهدان) متوجه نهضت شده یا مربوط به اعتقادات، اخلاق یا رفتارهای آنها می باشد. مهم ترین این آسیب ها عبارتند از: سرپیچی از فرمان رهبر، فساد خواص و نزدیکان رهبر، در نظر نگرفتن ارزش واقعی مجاهدان راستین، وابستگی به سیاست های کشورهای بیگانه، نگاه تک بعدی به مسائل، نزاع و اختلاف درونی، عدول از مردم سالاری دینی و پیراستگی از برخی اخلاق اسلامی نظیر ترک امر به معروف و نهی از منکر، غرور بی مورد و...

مراد از آسیب های بیرونی، آنهایی است که از بیرون به قیام اسلامی ضربه می زند که عبارتند از جنگ سخت و نرم کفار و مستکبران، نفاق منافقان، بهانه جویی و شیطنت اهل کتاب. البته منافقان از آن جهت در این گروه جای می گیرد که نمی توان آنها را مجاهد حقیقی و مومن واقعی نامید.

والحمد لله رب العالمین

۶- کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه (صبحی صالح)

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق)، *تاریخ ابن خلدون*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۸ج.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب
العلمیة و منشورات محمد علی بیضون، ۹ج.

ابن هشام، عبد الملک [بی تا]، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ حلبی، بیروت،
دارالمعرفه، ۲ج.

ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *وقعه الطف*، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین.

ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق)، *الغارات*، تحقیق جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، ۲ج.

جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۹)، *ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت*، قم، اسراء.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۶ج.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفترانتشارات
اسلامی، ۲۰ ج.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو،
۱۰ج.

طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين و مطلع النیرین*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران،
مرتضوی، ۶ج.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم، هجرت، ۹ج.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *مصباح المنیر*، قم، دار الهجرة، ۲ج.

قمی، ابراهیم بن محمد (۱۳۶۷)، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، تهران، دار الکتب، ۲ج.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۸ج.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۲۵ج

معین، محمد (۱۳۶۳)، *فرهنگ فارسی متوسط*، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۶ج.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۹)، *پیام امام امیرالمومنین علیه السلام*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ
اول، ۱۰ ج.

_____ (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۲۷ج.

_____ (۱۳۸۱)، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۳ج.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق)، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب [بی تا]، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، ۲ج.